

تبیین روشمند و علمی بودن «بی تأثیری اختلاف قرائت بر تحریف قرآن» از دیدگاه استاد معرفت*

□ عبدالکریم بهجت پور^۱
□ علی‌رضا محمدی فرد^۲

چکیده

در مطالعات قرآن پژوهی، بررسی ارتباط میان اختلاف قرائت قرآن و تحریف آن همواره یکی از مسائل بحث‌برانگیز بوده و هست. آیه‌الله معرفت همچون برخی دیگر از اندیشمندان مسلمان با دفاع از تحریف‌ناشدگی قرآن و با تأکید بر وجود تنها یک قرائت معتبر برای قرآن، دیگر قرائت نقل شده را نامعتبر و بی‌ارتباط با مسئله تحریف قرآن می‌داند و در تفسیر اثری خود نیز بر این دیدگاه پایبند است. اما از سوی مخالفان این دیدگاه، سه اشکال اساسی بر این دیدگاه وارد شده است که عبارت‌اند از: ۱- مستدل نبودن این دیدگاه، بر اساس ادله صحیح تاریخ قرائت و ادله قرآنی و روایی؛ ۲- نادیده گرفتن تأثیر اختلاف قرائت معتبر در تحریف لفظی قرآن؛ ۳- نادیده گرفتن تأثیر اختلاف قرائت معتبر در

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۳۰.

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (abp114@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تفسیر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)
(alimohammadi@rihu.ac.ir).

تحریف معنوی ناشی از تحریف لفظی قرآن.

این مقاله سعی دارد تا در دو مرحله، از دیدگاه آیه‌الله معرفت در این مسئله دفاع کند: ۱- اثبات برخوردار بودن آن از پشتوانه استدلالی مطلوب و روشمند بودن، با تکیه بر شواهد تاریخی، روایی و قرآنی؛ ۲- تکمیل دیدگاه وی به منظور پاسخ‌گویی به برخی اشکال‌ها.

واژگان کلیدی: قرائات، اختلاف قرائات، تحریف قرآن، قرائات مشهور، قرائت عاصم، آیه‌الله معرفت.

مقدمه

الف) پیشینه مسئله

جستجو در اقوال قرآن‌پژوهان نشان می‌دهد که دو دیدگاه اصلی درباره رابطه اختلاف قرائات با تحریف قرآن وجود دارد؛ عده‌ای اختلاف قرائات را دلیل بر تحریف قرآن می‌دانند. برخی نیز اختلاف قرائات را مؤثر در تحریف قرآن ندانسته، در عین پذیرش تحقق اختلاف در قرائت قرآن، حکم به عدم تحریف آن می‌کنند. در ادامه به اختصار، دو دیدگاه و طرفداران آن‌ها را معرفی می‌کنیم:

دیدگاه اول: اختلاف قرائات، دلیلی بر تحریف قرآن

سید نعمت‌الله جزائری (۱۱۱۲ ق.) در دو کتاب *الانوار النعمانیة* و *منبع الحیة*، یکی از ادله تحریف قرآن را وجود اختلاف قرائات می‌داند و در این زمینه می‌گوید: علمای علم تفسیر و قرائت در هنگام نقل قرائت آیات، قرائت اهل بیت علیهم‌السلام را در عرض قرائت عاصم و... قرار می‌دهند و این نشان می‌دهد که قرائت ائمه علیهم‌السلام، غیر از قرائت دیگران بوده، مقدم بر آنان است (ر.ک: جزائری، ۱۴۰۴: ۱/۳۶۲-۳۶۳؛ همو، بی‌تا: ۶۶-۶۷). بعد از او، محدث نوری (۱۳۲۰ ق.) در کتاب *فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب* و در دلیل دهم و دوازدهم خود بر اثبات تحریف قرآن، به صورت مفصل به بحث اختلاف قرائات به عنوان دلیلی بر تحریف قرآن پرداخته و به قرائات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام و کتب قرائات استناد کرده است (ر.ک: نوری، بی‌تا: ۲۱۰ و ۲۵۰-۲۵۲). مستشرقان نیز به این امر توجه کرده و بحث اختلاف قرائات را دستاویزی برای قول به تحریف قرآن و اضطراب

متن و مخدوش بودن سند قرآن قرار داده‌اند (ر.ک: گلدزیهر، ۱۳۷۴: ۴-۷؛ نولکه، ۲۰۰۰: ۵۴۳-۵۴۷؛ بلاشر، ۱۳۷۴: ۸۶ و ۱۲۱-۱۵۴).

دیدگاه دوم: اختلاف قرائات، بی تأثیر در تحریف قرآن

در مقابل دیدگاه بالا، عده‌ای از دانشمندان مسلمان بر این باورند که از میان قرائات مختلف، تنها یک قرائت معتبر است و قرآن موجود با آن قرائت مطابقت دارد. بنابراین اختلاف قرائات موجب تحریف قرآن نیست. شیخ مفید (۴۱۳ ق.) در کتاب *المسائل السرویه* در پاسخ به این اشکال که با وجود روایاتی از ائمه علیهم‌السلام در زمینه قرائات که مخالف با قرائت رایج مصحف کنونی است، چگونه می‌توان قائل به عدم تحریف قرآن بود؟ می‌گوید: این روایات خبر واحدند و ما حق نداریم به خاطر این دسته از روایات که قطعی نیستند، دست از قرائت رایج در مصحف در میان مردم که اهل بیت علیهم‌السلام ما را امر به قرائت بر طبق آن کرده‌اند، برداریم (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۸۲-۸۴). همچنین علامه بلاغی (۱۳۵۲ ق.) در این باره می‌گوید:

«قرآن کریم از جهت ماده، صورت و قرائت، به یک صورت و بدون اختلاف، به نحو تواتر در میان عامه مسلمانان و از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و اختلاف قاریان و روایاتی که در جوامع روایی از ائمه علیهم‌السلام و صحابه درباره قرائت برخی کلمات قرآن وارد شده، هیچ تأثیری در این نقل واحد متواتر نداشته است. بله، تنها در کلماتی معدود که در برخی مصاحف عثمانی به صورت متفاوت نگارش یافته‌اند -مانند زیاد شدن الف بین شین و پاء در «لِشْنِی» (کهف/ ۲۳)- اختلاف در قرائت راه پیدا کرد» (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۲۹/۱).

آیه‌الله معرفت نیز همین نظر را قبول دارد و می‌گوید: قرائت رایج کنونی، همان قرائتی است که در میان مسلمانان صدر اسلام رایج بوده است. وی قرائت عاصم به روایت حفص را منطبق بر قرائت مشهور میان مسلمانان می‌داند؛ زیرا عاصم این قرائت را به واسطه سلمی از امام علی علیه‌السلام اخذ کرده و قرائت آن حضرت نیز همان قرائت عامه مسلمانان بوده است. همچنین ایشان معتقد است که اختلاف قرائات در طول تاریخ، از جهت ماده، صورت و اعراب، خللی به قرائت اصلی قرآن وارد نکرده است (معرفت، ۱۴۱۵: ۲/۱۴۶-۱۵۴)؛ از این رو در تفسیر اثری جامع خود نیز بر قرائت رایج کنونی، یعنی

قرائت عاصم به روایت حفص پایبند است (ر.ک: همو، ۱۳۸۷).
اندیشمندان دیگری نیز این دیدگاه را قبول دارند؛ برای نمونه: علامه شرف‌الدین
عاملی (۱۳۷۳: ۳۴) و آیه‌الله مرعشی نجفی (بروجردی، ۱۳۷۴: ۱۴۹).

ب) تبیین مسئله

دیدگاه دوم (بی‌تأثیری اختلاف قرائات بر تحریف قرآن) از این جهت که بر یک
قرائت بسنده کرده و وجود رابطه میان اختلاف قرائات و تحریف قرآن را نفی می‌کند،
از سوی برخی قرآن‌پژوهان مورد اشکال و هجمه قرار گرفته است؛ برای نمونه، برخی از
این جهت که تمام قرائات مشهور متواترند، دیدگاه مذکور را در اکتفا بر یک قرائت،
ناصحیح می‌دانند (مجدد عباسی، ۱۳۷۵: ۹۲/۱). نیز در مقاله‌ای چنین آمده است:

«انتخاب قرائاتی که اکنون توسط برخی برگزیده و استعمال می‌شود، تاریخ‌مند
نیست، بلکه به استناد برخی روایات ثانوی سفارشی از سوی معصومان یا غیر معصومان
و دلایل دیگر مورد پذیرش واقع شده‌اند؛ همانند قرائت حفص از عاصم که اکنون در
بیشتر کشورهای اسلامی رایج است» (استادی، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

این نویسنده در اثبات وجود ارتباط میان اختلاف قرائات با تحریف، چنین ادامه
می‌دهد:

«هدف از استعمال یا به کارگیری کلمه و نشان از سوی فاعل حکیم، افاده معناست؛
به طوری که حتی الفاظ بی‌معنا نیز اگر از گوینده‌ای صاحب اختیار صادر شوند،
معنای دلالتی و تبادری در خود دارند. بنابراین روشن است که تغییر در کلمه و لفظ
مستعمل، می‌تواند تغییر در معنا یا دلالت داشته باشد؛ ... اگر اختلاف قرائات موجب
تغییر معنا بشود، تحریف یقیناً محقق خواهد شد» (همان: ۱۶۲).

از مجموع مطالب مذکور در دیدگاه قائلان به تأثیر اختلاف قرائات بر تحریف قرآن
و نیز مطالب بالا، به دست می‌آید که سه اشکال عمده بر دیدگاه دوم وارد شده است:

- ۱- سازگار نبودن این دیدگاه با تاریخ قرائات و ادله قرآنی و روایی، و بی‌دلیل بودن
حصر قرائات به قرائت واحد یا همان قرائت عاصم به روایت حفص؛
- ۲- انکار وقوع تحریف لفظی در قرآن با توجه به وجود قرائات معتبر؛
- ۳- انکار وقوع تحریف معنوی ناشی از اختلاف لفظی قرائات؛ به این معنا که اصل

در قرآن، حفظ معنای عبارات آن است و قطعاً تحریف لفظی به گونه‌ای که به تغییر معنا انجامد در قرآن رخ داده است، بنابراین قطعاً تحریف در قرآن رخ داده است. در ادامه سعی می‌شود با تکیه بر آرای استاد معرفت به این سه اشکال پاسخ داده شود و در یک مورد، دیدگاه وی تکمیل گردد. البته در فرایند پاسخ به اشکالات، بر نقل آرای وی اکتفا نشده، بلکه مدعاهای او با تکیه بر منابع معتبر، تبیین و مستدل خواهد شد.

ج) مفهوم‌شناسی واژه قرائت و تحریف از دیدگاه آیه‌الله معرفت

درباره واژه قرائت و تحریف، تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ از این رو بایسته است ابتدا تعریف اصطلاحی «قرائت» و «تحریف» را از دیدگاه استاد معرفت بررسی کنیم.

۱. شروط قرائت صحیح و معنای اصطلاحی آن

وی در چند موضع، تعریف قرائت یا شروط صحت آن را بیان کرده است که در اینجا نقل و جمع‌بندی می‌شود:

۱- قرائت همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است که اصطلاحاً به گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می‌شود و دارای ویژگی‌های خاصی است. به عبارت دیگر، هر گاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که از نصّ وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده است، استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است. البته قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف میان قراء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نصّ واحد است. پیامبر ﷺ به قرائت متعدد، قرآن را تلاوت نفرموده و قرائت موجود، ناشی از اجتهاد قاریان در قرائت قرآن بوده است (معرفت، ۱۳۶۸: ۱۴۱؛ همو، ۱۳۸۱: ۱۸۲) و به عبارت دیگر: قاریان قرآن (قراء معروف) راویان و ناقلان همان قرآنی هستند که بر پیامبر ﷺ نازل گردیده و اختلاف آنان از اختلاف در نقل و روایت آن نصّ نشئت گرفته است (همو، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

۲- قرائت که عبارت است از احتمالی از احتمالات در متن قرآن، اصطلاحی قدیمی است که به عهد صحابه نخستین باز می‌گردد. آنگاه که عده‌ای از صحابه بزرگ رسول

خدا ﷺ پس از وفات او، قصد جمع قرآن در مصحف را کردند... و چه بسا در ثبت متن یا کیفیت قرائت آن دچار اختلاف شدند، از این رو مصحف صحابه نخستین دچار اختلاف شد و مردم هر سرزمین از سرزمین‌های اسلامی بر اساس مصحفی که صحابی موجود در میان آنان جمع کرده بود، قرآن را قرائت می‌کردند (همو، ۱۴۱۵: ۹/۲).

۳- ملاک صحیح بودن یک قرائت، این است که موافق با نص باشد که در نزد عموم مردم محفوظ مانده است. این موافقت با سه امر محقق می‌شود:
- با متن ثبت شده که در نزد عموم مردم باقی است، از جهت ماده کلمه، صورت کلمه و نظم کلمه موافق باشد.

- از جهت لغوی، فصیح‌ترین و از جهت کاربرد، شایع‌ترین در عربیت باشد.
- دلیل قطعی با آن معارض نباشد (برهان عقلی، سنت متواتر و روایت صحیح‌السندی که در نزد امامان معصوم علیهم‌السلام مقبول باشد) (ر.ک: همان: ۱۵۴/۲).

جمع‌بندی در تعریف قرائات

با توجه به عبارات بالا، می‌توان به نکات زیر درباره تعریف قرائات در نظر استاد معرفت رسید:

۱. قرآن کریم در حقیقت و واقع یک قرائت بیشتر ندارد و با همان قرائت بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است.
۲. سماع و شنیدن، رکن اساسی در قرائت صحیح است؛ یعنی سعی اولی قاریان این بوده که عیناً قرائت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را انتقال دهند و به آن قرائت اصلی دست یابند (که البته گاه در این کار، دست به اجتهاد زده‌اند).
۳. قرائت اصلی، همان قرائت مشهور در میان عموم مردم است و این قرائت قابل دسترسی است.
۴. در صورت غیر منطبق بودن قرائات با قرائت مشهور در میان عموم مردم، آن قرائت پذیرفتنی نیست.

۲. واژه تحریف در اصطلاح

استاد معرفت بیان می‌کند که تحریف اصطلاحی به ۷ معنا به کار رفته است:

۱. تحریف معنوی؛ یعنی تفسیر و تأویل ناروای آیات، به گونه‌ای که لغت، وضع و قرینه‌ای بر آن دلالت نداشته باشند.
 ۲. تحریف به جابه‌جایی؛ یعنی ثبت آیه یا سوره در مصحف در غیر موضع نازل شده.
 ۳. تحریف قرائی؛ یعنی قرائت قرآن بر خلاف قرائت مشهور.
 ۴. تحریف در لهجه؛ یعنی قرائت قرآن به لهجه‌ای غیر از لهجه قریش که قرآن بر طبق آن نازل شده است؛
 ۵. تحریف به تبدیل؛ یعنی واژه‌ای را از قرآن بردارند و مرادف آن را جایگزین کنند.
 ۶. تحریف به زیاده؛ یعنی افزودن سوره، آیه، جمله یا کلمه‌ای به قرآن.
 ۷. تحریف به نقصان؛ یعنی حذف واژه یا واژگانی از قرآن به عمد یا سهو یا نسیان (ر.ک: همو، ۱۳۸۶: ۱۵۶؛ همو، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۱).
- با این حال، تحریف اصطلاحی را در حیطه تحریف لفظی و منحصر در اقسام ۵، ۶ و ۷ می‌داند که در صورت وقوع، موجب تحریف قرآن خواهند بود (همو، ۱۳۷۹: ۲۴) و تصریح می‌کند که در میان همین سه قسم، اجماع دانشمندان مسلمان بر عدم تحریف به زیاده است (همان: ۲۲؛ همو، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

۱. اثبات مستدل و روشمند بودن دیدگاه استاد معرفت

پس از بیان مقدمات و روشن شدن دیدگاه استاد معرفت درباره مفهوم قرائات و تحریف، نوبت به پاسخ به سه اشکال مستشکلان می‌رسد.

۱-۱. دارای پشتوانه تاریخی، قرآنی و روایی نبودن این دیدگاه

در اینجا سعی می‌شود بر اساس آثار استاد معرفت، به اشکال نخست (پشتوانه تاریخی و دینی نداشتن این دیدگاه) پاسخ داده شود. وی دلایلی بر عدم تحریف قرآن، در کل و جزء آن اقامه کرده است (ر.ک: همو، ۱۳۸۱: ۴۴۷-۴۵۷) که برخی از این دلایل (گواهی تاریخ، ضمانت الهی، نصوص اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم تواتر قرآن)، می‌تواند مستند عدم تحریف قرآنی قرآن، یعنی تحریف در اجزای قرآن، به صورت خاص نیز باشد. در اینجا در ذیل دو عنوان، مباحث مطرح شده توسط استاد معرفت، تبیین، مدرک‌یابی و

تکمیل می‌شود تا آشکار شود که حصر قرائت قرآن بر یک قرائت، از پشتوانه تاریخی و دینی برخوردار است.

۱-۱-۱. شواهد تاریخی، قرآنی و روایی و حفظ قرائت اصلی قرآن در میان مسلمانان برای نقل شفاهی و کتبی قرآن، انگیزه بسیار زیادی در میان نسل‌های مختلف مسلمانان از زمان نزول آن وجود داشته و مسلمانان اهمیت زیادی به این امر می‌دادند. مجموع شواهد و قرائن نشان می‌دهد که تلاش مسلمانان در تمام دوره‌ها بر این بوده که قرائت قرآن و کتابت آن بر اساس قرائت رایج، همان گونه که به ایشان رسیده، به نسل بعدی منتقل شود. علاوه بر این، تلاشی هدفمند از جانب اهل بیت علیهم‌السلام و یاران خاص ایشان دیده می‌شود که مصحف شریف از هر دو جنبه قرائت اصلی و کتابت اولیه، در میان مردم حفظ شود و اختلاف قرائت در جامعه اسلامی رواج نیابد. شواهد و قرائنی که در ادامه می‌آید گواه بر این مدعا است:

الف) گزارش‌های تاریخی و روایات موجود گواهی می‌دهد که آموزش و فراگیری قرآن از زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در میان مسلمانان رواج داشته و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با فرمایش‌هایی نظیر «بهترین شما کسی است که قرآن را آموزش دهد و بیاموزد» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۷) و «قرائت قرآن، برترین عبادت است» (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۴/۱)، مسلمانان را به یادگیری قرآن تشویق می‌فرمودند تا آنجا که جمع فراوانی از صحابه، تمام یا قسمتی از قرآن را از حفظ داشتند و تنها یک سال پس از ارتحال ایشان، از میان شهدای جنگ یمامه، ۷۰ نفر را جزء حافظان قرآن برشمرده‌اند (ر.ک: حجتی، ۱۳۷۲: ۲۳۸-۲۴۰). همچنین روایات رسیده از رسول گرامی اسلام نشان می‌دهد که آن حضرت قرآن را معیار فضیلت و برتری افراد قرار می‌دادند و هر کس بیشتر قرآن می‌دانست، به عنوان امامت در نماز و والی شهر انتخاب می‌شد (ر.ک: عسکری، ۱۴۱۶: ۱/۱۶۵-۱۶۷).

رجوع به سیره مسلمانان نشان می‌دهد که این اهتمام، تنها معطوف به جنبه معنایی قرآن نبود، بلکه آنان از جهت لفظی نیز توجه ویژه به قرآن داشتند و به فراگیری تک‌تک الفاظ قرآن بر طبق آنچه به ایشان رسیده بود، اهتمام می‌ورزیدند؛ چرا که قرآن را اساس دین، و الفاظش را معجزه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و وسیله تحدی خداوند می‌دانستند. این اهتمام

زیاد به نقل عین عبارات قرآن در نسل‌های پی‌درپی مسلمانان ثابت است و امری که چنین مورد توجه باشد، تمام امور کلی و جزئی آن، عیناً و به صورت یقینی و متواتر نقل شده است (ر.ک: سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۶۲-۳۶۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۶۳/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۶: ۵۴؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۱۲۳-۱۲۴).

ب) افزون بر این، روایات و شواهد تاریخی بسیاری مبنی بر اهتمام زیاد پیامبر و مسلمانان به کتابت دقیق قرآن وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که قرآن به طور کامل در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور و تحت نظارت ایشان نگارش یافت. اشخاصی چون امیر مؤمنان، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و سعید بن عاص را از جمله کاتبان اصلی وحی به شمار آورده‌اند که وظیفه ایشان، نگارش آیه‌های فرودآمده و حفظ نسخه‌ای از آن در نزد پیامبر و استنساخ و بازنویسی آیات برای عموم علاقه‌مندان بود (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۲۹-۲۸؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۵۰-۵۴؛ حجتی، ۱۳۷۲: ۲۱۰-۲۱۱ و ۲۱۸-۲۲۰).

حضرت علی علیه السلام نحوه ثبت آیات قرآن در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله را چنین گزارش می‌فرماید: «شیوه‌ام این بود که هر روز دو بار، صبح و شام، بر پیامبر وارد می‌شدم... پس هیچ آیه‌ای از قرآن بر وی فرود نیامد، مگر آنکه بر من خواند و من آن را با خط خود نوشتم و...» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۴/۱).

برخی روایات نیز دلالت بر نظارت مستقیم و دقیق پیامبر صلی الله علیه و آله بر کتابت قرآن دارد؛ برای مثال پیامبر به کاتبان قرآن توصیه می‌فرمودند: - «هر گاه "بسم الله..." را می‌نگاری، "سین" را واضح بنویس» (متقی هندی، بی‌تا: ۲۴۴/۱۰).

- «بای "بسم الله" را کشیده و بلند بنویس، دندان‌های "سین" را مشخص و واضح بنویس و "میم" را کور و توپر بنویس» (عاملی جعی، ۱۴۰۹: ۳۴۹-۳۵۱).

ج) توحید مصاحف قبل از سال ۳۰ هجری به اتمام رسید و در گزارش‌های تاریخی و روایات مشهود است که چه پیش و چه پس از آن، قرائتی به عنوان قرائت رایج و مشهور در میان مسلمانان وجود دارد که هر کس حتی خلفا با آن مخالفت می‌کند از سوی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد. این امر بیانگر آن است که با توجه

به شدت اهتمام و حساسیت صحابه به حفظ متن قرآن و قرائت پیامبر، نمی‌توان گفت اختلاف قرائات به حدی پیشرفت داشته که به قرائت رسیده از پیامبر اکرم آسیب رسانده باشد، به گونه‌ای که دسترسی به قرائت اصلی برای مردم دست‌نیافتنی شده باشد؛ چرا که حتی خلیفه دوم که در دوران حکومتش نفوذ و اقتدار زیادی در جامعه اسلامی داشت و نیز عثمان که کار توحید مصاحف در زمان وی انجام شد، توان کم یا زیاد کردن حتی یک حرف از حروف قرآن را نداشتند، تا چه رسد به دیگران (شرف‌الدین عاملی، ۱۴۱۰: ۴۳)؛ برای مثال خلیفه دوم معتقد بود که آیه‌ای درباره حدّ رجم در قرآن بود و در زمان رسول خدا خوانده می‌شد، ولی اکنون مردم آن را نمی‌خوانند. با وجود این، از اینکه این آیه را در قرآن ثبت کند و مردم او را به افزودن بر کتاب خدا متهم کنند، می‌هراسید (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۲۹/۱). همچنین در روایتی آمده است که عثمان قصد داشت «و» را از ابتدای عبارت ﴿...وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/۳۴) بردارد، اما ابی بن کعب خلیفه را بیم داد که اگر «و» را جای خود نگذارند، شمشیر خود را برمی‌کشد (ابن عطیه اندلسی، بی‌تا: ۲۸/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۳۲/۳).

د) بحث تعدد قرائات و توحید مصاحف در زمان امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام مطرح بود و از ایشان در این زمینه نظرخواهی شد. حضرت از این کار استقبال و عثمان را تشویق کرد و بعد از اتمام کار نیز مصحف موجود را قبل و بعد از به حکومت رسیدن، تأیید و جامعه اسلامی را از دامن زدن به اختلاف قرائات منع فرمود (ر.ک: سجستانی، ۱۴۲۳: ۶۷ و ۹۸-۹۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۱۰/۱؛ دانی، بی‌تا(ب): ۸؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۷۵). امامان دیگر نیز نسبت به مصحف رایج ایرادی نگرفتند و به مراحل تکمیل خط قرآن (نقطه و اعراب‌گذاری) اعتراضی نکردند؛ بلکه ایشان همواره مسلمانان را به حفظ مصحف و قرائت موجود تشویق می‌فرمودند و با عباراتی چون «افَرُّوْا كَمَا عَلَّمْتُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴-۶۶۶-۶۶۷)، «تَقْرَأُ عَلٰی قِرَاةٍ اٰبِيٍّ» (همان: ۴-۶۷۴) و «اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» (همان: ۴-۶۷۲) مردم را از دامن زدن به اختلاف قرائات بر حذر می‌داشتند. همچنین در دو روایت صحیح و مشهور که از امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام نقل شده، نزول قرآن بر یک قرائت دانسته شده و اختلاف قرائات به قاریان نسبت داده شده است (همان: ۴-۶۶۴-۶۶۵) و روایات

زیادی با نقل صحیح و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام درباره استحباب و ضرورت فراگیری، قرائت و ختم همین قرآن وارد شده و بیان داشته است که خواندن تک تک حروف قرآن ثواب دارد.

مجموع این نقل‌ها و روایات گواه آن است که تمام آیات و کلماتی که در مصحف رایج وجود دارد و قرائتی که منطبق بر کتابت موجود رواج دارد، همان قرآن و قرائت اصلی آن است؛ زیرا نشان می‌دهد که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان در زمان اهل بیت علیهم السلام، قرآن به نحو متواتر و یقینی در اختیار مردم بوده است؛ در غیر این صورت، تشویق مردم به قرائت تک تک حروف قرآن و تعلیم و تعلم آن معنا نداشت و لازمه آن تشویق معصومان به خواندن الفاظی بود که از جانب خدا نبود. همچنین قرائت آنچه جزء قرآن نیست در نماز، موجب بطلان نماز می‌گردد و بر ائمه علیهم السلام که بیش از هر کسی مسئول و دوستدار حفظ شریعت بودند، واجب بود در صورتی که مصحف موجود تماماً همان قرآن نازل شده نباشد، به مردم تذکر دهند (حز عاملی، ۱۴۲۶: ۵۵-۶۰).

ه) پس از تصمیم به توحید مصاحف و ارائه مصحف واحد به جامعه اسلامی در زمان عثمان، گروهی مأمور انجام این کار شدند؛ به این صورت که مصحف‌های صحیح و معتبر، جمع‌آوری و مصحف اصلی بر طبق آن‌ها و با نظارت و املائی ابی بن کعب نگاشته شد (ر.ک: سجستانی، ۱۴۲۳: ۱۰۴-۱۰۶ و ۱۱۲؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۴۲۰-۴۲۱).

در تهیه این مصحف، نام برخی از اصحاب و شاگردان امام علی علیه السلام همچون ابی بن کعب و عبدالله بن عباس به چشم می‌خورد که توجه به جایگاه بالای علمی، معنوی و اجتماعی ایشان، این اطمینان را حاصل می‌کند که تهیه مصحف رسمی در تمام مراحل اولیه و تکمیلی، با دقت کامل انجام شد.^۱

۱. عبدالله بن عباس شخصیتی است که به لحاظ آگاهی از دانش تفسیر و وثاقت، در نزد دانشمندان شیعه و اهل سنت مورد تأیید است. وی از پیروان علی علیه السلام بود و خود اذعان دارد که در دانش تفسیر، شاگرد امام علی علیه السلام بوده است (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۴؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۲/۲۹۳). ابی بن کعب نیز از صحابه بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و کاتبان وحی و از یاران امیر مؤمنان علیه السلام بود. وثاقت او در نزد علمای شیعه و اهل سنت مورد اتفاق است و آراء تفسیری زیادی از او نقل شده است و در منابع روایی اهل سنت، احادیث زیادی در مورد جایگاه بالای علمی وی وجود دارد (ر.ک: هاشمی بصری، ۱۴۱۰: ۲/۲۸۴ و ۳/۳۷۸؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۱/۳۳۳؛ بابایی، ۱۳۸۱: ۱/۱۷۳-۱۷۵).

بعد از تهیه مصحف واحد، چند نسخه از آن تهیه و هر نسخه به همراه یک قاری به شهرهای بزرگ فرستاده شد تا قرائت صحیح به مردم تعلیم داده شود (زنجانی، ۱۴۰۴: ۷۴؛ فضلی، ۱۴۰۵: ۲۲). این مصاحف به تدریج و با پشتیبانی حکومت وقت، در میان مسلمانان رواج یافت و دیگر مصاحف جمع‌آوری و از بین برده شد (سجستانی، ۱۴۲۳: ۱۰۹-۱۱۸؛ معرفت، ۱۳۶۸: ۱۰۵-۱۰۶؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۴۷۴-۴۷۷).

و ابوالاسود دؤلی (۶۹ ق.و) اولین کسی است که اقدام به نقطه‌گذاری مصحف کرد تا مردم در قرائت قرآن دچار خطا نشوند و قرائت صحیح آن به مرور زمان به فراموشی سپرده نشود. سپس دو شاگردش، یحیی بن یعمر (۹۰ ق.و) و نصر بن عاصم (۸۹ ق.و) کار وی را تکمیل کرده، تمام کلمات قرآن را نقطه و اعراب‌گذاری کردند (دانی، بی‌تا(الف): ۷-۶؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۹۵-۹۹). ابوالاسود از یاران امیر مؤمنان عَلِيٍّ بود (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۸: عنوان «ظالم بن ظالم» و «ظالم بن عمرو») و قرائت قرآن و علوم ادبی را از وی فرا گرفته بود. دو شاگرد وی نیز قرآن و علوم ادبی را از ابوالاسود آموخته بودند. ابن جزری می‌گوید: «نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر قرآن را بر ابوالاسود قرائت کردند و ابوالاسود قرآن را بر علی عَلِيٍّ و عثمان قرائت کرد» (ابن جزری، بی‌تا: ۱۳۳/۱).

طبیعی است که مصحف نقطه و اعراب‌گذاری شده، که به درخواست حکومت وقت تهیه شده بود، همچون مصحف عثمانی با پشتیبانی دستگاه حاکم به عنوان مصحف رسمی در میان مسلمانان رواج پیدا کرد و در نسل‌های بعدی مورد استقبال قرار گرفت و تکمیل شد. (ز) به علاوه خداوند در قرآن ضمانت داده است که عهده‌دار مصونیت آن از گزند دستبرد و تحریف باشد:

- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/۹).
 - ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت/ ۴۱-۴۲؛ ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱: ۴۵۲-۴۵۳).

۲-۱-۱. ضرورت تواتر قرآن

تمام فرق و مذاهب اسلامی اجماع دارند که قرآن باید به صورت قطعی و به تواتر

نقل شود تا حجیت داشته باشد و هر آنچه با خبر واحد نقل شود قطعاً جزء قرآن نیست (ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶۶/۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۵: ۳۳۵/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۲۶۳؛ موسوی خویی، بی تا: ۱۲۴).

استاد معرفت با تکیه بر این اجماع چنین می گوید:

«یکی از دلایل مهم دفع شبهه تحریف، مسئله ضرورت تواتر قرآن است. شرط پذیرفتن قرآن، چه در کل و چه در بعض، متواتر بودن آن است. قرآن در هر حرف و هر کلمه و حتی در حرکات و سکنات نیز باید متواتر باشد؛ یعنی همگان (جمهور مسلمین) آن را دست به دست و سینه به سینه، به طور همگانی نقل کرده باشند. از این رو، آنچه در زمینه تحریف گفته اند که فلان کلمه یا فلان جمله از قرآن بوده، چون با نقل آحاد روایت شده، قابل قبول نیست و طبق اصل "لزوم تواتر قرآن" مردود شمرده می شود و این اصل یکی از مسائل ضروری اسلام و مورد اتفاق علماست و اساساً خبر واحد در مسائل اصولی و کلامی فاقد اعتبار است و صرفاً در مسائل فرعی و عملی اعتبار دارد» (معرفت، ۱۳۸۱: ۴۴۹).

این کلام به خوبی نشان می دهد که شرط حفظ تواتر قرآن در کل و اجزاء، حفظ قرائت اصلی قرآن است و از این رو، قرائات دیگر گرچه نقل شده باشند، در صورت عدم تواتر حجیت ندارند.

۳-۱-۱. قرائت رایج کنونی، قرائت اصلی

بعد از تبیین تاریخی عدم تغییر در قرائت اصلی قرآن، حال باید دانست این قرائت اصلی کدام قرائت است؟ و چه ارتباطی با قرائات نقل شده از قاریان مشهور دارد؟ همان گونه که بیان شد، تمام فرق و مذاهب اسلامی اجماع دارند که قرآن باید به صورت قطعی و به تواتر نقل شود تا حجیت داشته باشد و هر آنچه با خبر واحد نقل شود قطعاً جزء قرآن نیست. بر این اساس از میان همه اقسام قرائات (یعنی: متواتر، مشهور، آحاد، شاذ، موضوع و مدرج)، تنها قسم اول، یعنی «قرائت متواتر» معتبر است. از طرفی سند روایی هیچ یک از قرائت های مشهور تا عصر پیامبر ﷺ به حد تواتر نمی رسد (ر.ک: همان: ۱۹۲-۱۹۷؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مؤدب و محمدی فرد، ۱۳۹۳) و نمی توان هیچ یک از آنها را به لحاظ سند روایی، قرائت اصلی و حاکی از قرائت

پیامبر ﷺ دانست. از این رو چنان که آیه‌الله معرفت و دیگران گفته‌اند، قرائت اصلی، قرائتی است که نسل به نسل به تواتر در میان مسلمانان، اعم از دانشمندان و عموم مردم، نقل شده است. البته با بررسی قرائت‌های نقل شده از قاریان مشهور روشن می‌شود که قرائت عاصم به روایت حفص منطبق بر این قرائت رایج است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱: ۲۱۸-۲۱۹).

۴-۱-۱. رابطه میان قرائت رایج و قرائت عاصم به روایت حفص

در نهایت استاد معرفت با در نظر گرفتن ویژگی‌های قرائت عاصم به روایت حفص و لزوم تواتر قرآن، تنها قرائت متواتر و صحیح از میان قرائات مشهور را همین قرائت می‌داند (همان: ۲۳۵-۲۴۱)؛ زیرا از سویی تواتر در سند روایی هیچ یک از قرائات حاصل نیست (همان: ۱۹۵-۱۹۷) و از سویی، قرائتی در میان توده مردم در طول قرون رواج داشته و دارد که قرائت عاصم به روایت حفص نمایانگر آن است (همان: ۲۱۸-۲۱۹) و از سوی دیگر، این قرائت از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را از دیگر قرائات ممتاز می‌کند (همان: ۲۳۵-۲۴۱). بنابراین تنها قرائتی که شایستگی نمایانگر بودن قرائت نبوی را دارد، همین قرائت است. ویژگی‌های ممتاز قرائت عاصم عبارت‌اند از:

الف) این قرائت از جمله قرائت‌های معتبر و انتخاب شده توسط ابن مجاهد و دیگر بزرگان علم قرائات است. عاصم این قرائت را از ابوعبدالرحمان سلمی، و سلمی نیز آن را از امیر مؤمنان علیه السلام اخذ کرد. بر خلاف تعدادی از قرائت‌ها که اجتهاد قاریان یا راویان در آن راه یافت، ویژگی این قرائت آن است که سعی ناقلان این قرائت این بوده که بدون هیچ اعمال نظر و اجتهاد شخصی، عیناً همان قرائتی را که از استاد خود تلقی کرده‌اند، انتقال دهند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۸-۷۰؛ ذهبی، ۱۴۱۷: ۵۲-۵۳؛ ابن جزری، بی‌تا: ۳۴۸/۱).

ب) با بررسی جایگاه علمی و وثاقت ناقلان اصلی این قرائت (یعنی سلمی، عاصم و حفص) در کتب اساتید و بزرگان علم قرائت و رجال‌شناسان شیعه و سنی، می‌توان مدعی شد که این قرائت در مجموع بر دیگر قرائات منقول از پیامبر برتری دارد و نمایاننده قرائت رایج، یعنی قرائت رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است (برای آگاهی از ادله این

مدعا، ر.ک: مؤدب و محمدی فرد، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۲).

ج) همچنین قرائت عاصم، مورد توجه بسیاری از دانشمندان اسلامی و عموم مردم بوده و هست و در تمامی ادوار تاریخ، قرائتش به عنوان قرائت برتر تلقی می‌شد (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۱۰۹/۱؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۲/۲۴۶). مکی بن ابی‌طالب یکی از دلایل ارجحیت این قرائت را این دانسته که عموم مردم پذیرای آن بوده‌اند که مراد از پذیرش عموم مردم، اتفاق اهل مدینه و کوفه یا اهل مکه و مدینه بر آن است (مکی بن ابی‌طالب، ۱۴۳۲: ۸۱). علاوه بر این، قابل توجه است که به لحاظ مطابقت قرائت عاصم با مصاحف مکتوب، هیچ یک از دانشمندان قرائت بر آن خرده نگرفته‌اند.

با این توضیح، مجموع ویژگی‌های زیر را می‌توان موجب برتری قرائت عاصم به روایت حفص بر دیگر قرائت شمرد:

- ۱- اجتهاد شخصی در آن اعمال نشده است؛
- ۲- مورد توجه تمام عالمان و قاریان بزرگ و عامه مردم در عصرهای مختلف بوده است؛
- ۳- با مصحف مکتوب مخالفتی ندارد؛
- ۴- به لحاظ سندی به امیر مؤمنان علیه السلام باز می‌گردد و تمام عالمان علم قرائت، سند این قرائت را صحیح و مقبول دانسته‌اند؛
- ۵- مطابق با قرائت رایج در میان توده مسلمانان است.

۱-۱-۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اهتمام زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به کتابت، حفظ و فراگیری قرائت قرآن، وقوع هر گونه تحریف را در زمان آن حضرت منتفی می‌کند. این امر در زمان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز صادق است؛ چه آنکه همزمان با بروز اختلاف قرائت، اهل بیت علیهم السلام و اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ و تثبیت قرائت مشهور که همان قرائت پیامبر بود، اقدامات مؤثری انجام دادند. با توجه به مقدماتی که ذکر شد، اهل بیت علیهم السلام در تمام مراحل کتابت و قرائت قرآن، سعی در حفظ قرائت اصلی و مشهور داشتند. امام علی علیه السلام در هنگام توحید مصاحف، نظارت مستقیم بر این کار داشت و یاران و شاگردان وی، نظیر ابی و ابن عباس نیز در کتابت قرآن دخیل بودند و طبیعی است که

با اهمتی که ایشان به حفظ عین متن قرآن داشتند، قرائتی جز قرائت پیامبر را بر نمی‌تاییدند. در مراحل تکمیلی خط نیز ابوالاسود و شاگردانش که همگی از پیروان و شاگردان علی علیه السلام بودند، بر طبق قرائتی که از او فراگرفته بودند به نقطه و اعراب‌گذاری قرآن پرداختند و کار ایشان، قبل از سال ۹۰ هجری به پایان رسید. بعد از توحید مصاحف و همچنین بعد از تهیه مصحف نقطه و اعراب‌گذاری شده، دستگاه خلافت همواره پشتیبان این مصحف بود و به رواج آن همت می‌گماشت و از رواج دیگر مصاحف جلوگیری می‌کرد. در امر قرائت نیز علی علیه السلام شاگردانی چون عبدالله بن عباس، ابوعبدالرحمان سلمی و ابوالاسود دؤلی و دیگران را تربیت کرد و از این طریق به حفظ و ترویج قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت. بنابراین هم در مرحله کتابت و هم در مرحله قرائت قرآن، همواره سعی در حفظ قرائت اصلی و بازتاب آن در متن قرآن بوده است.

در تمام این مراحل می‌توان از تقریر، قول و فعل امامان معصوم علیهم السلام به عنوان مؤیدی برای حفظ قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله و رواج دادن آن در جامعه اسلامی کمک گرفت. در زمان امیر مؤمنان علیه السلام بحث تعدد قرائات و توحید مصاحف مطرح بود و ایشان در بحث توحید مصاحف مورد مشورت قرار گرفتند و از این کار استقبال کرده، به تشویق عثمان پرداختند. بعد از اتمام کار نیز مصحف موجود را تأیید و مسلمانان را از دامن زدن به اختلافات منع کردند. در زمان دیگر امامان علیهم السلام نیز نسبت به مصحف رایج و مراحل تکمیل خط قرآن (نقطه و اعراب‌گذاری آن) اعتراضی صورت نگرفت، بلکه ایشان همواره مسلمانان را به حفظ مصحف موجود تشویق می‌کردند و با عباراتی چون «اقرؤوا کما علمتم»، «نقرأ علی قرائة ابي» و «اقرأ کما یقرأ الناس» مردم را از دامن زدن به اختلاف قرائات بر حذر می‌داشتند.

بنابراین گرچه بعد از رحلت پیامبر اختلاف قرائات پدید آمد، ولی این امر هیچ‌گاه موجب نشد تا قرائت اصلی از رونق بیفتد یا به فراموشی سپرده شود؛ بلکه با تلاش اهل بیت و برخی از صحابه و مسلمانان، قرائت اصلی همواره در جامعه اسلامی باقی ماند و به تدریج به لحاظ فراگیری در جامعه اسلامی، به جایگاه خود بازگشت و قرائت رسمی عالم اسلام گردید. از میان قرائات، قرائت عاصم به روایت حفص، با این قرائت رایج

مطابقت دارد و اکثر مصاحف رسمی کنونی، بر اساس این قرائت کتابت می‌شود. البته باید توجه داشت که قرائت عاصم، مستند ما برای رسیدن به قرائت نبوی نیست تا اشکال شود که متن قرآن که باید به تواتر ثابت شود، از طریق خبر واحد ثابت شده است؛ بلکه این قرائت از یک سو نمایاننده قرائت رایج در میان مسلمانان است (معرفت، ۱۴۱۵: ۲/۲۴۵) و از دیگر سو، اقبال قاریان و دانشمندان مسلمان به آن، موجب حفظ قرائت رایج شد و سبب گشت تا دیگر قرائت، حالت مدرسه‌ای یابند و به صورت فراگیر در میان عموم مردم رواج نیابند.

نتیجه اینکه از مجموع قرائن مذکور (تاریخ قرائت و ادله قرآنی و روایی) به دست می‌آید که دیدگاه استاد معرفت، مبنی بر حصر قرائت معتبر قرآن در یک قرائت، مستدل و روشمند است.

۲-۱. عدم راهیابی تحریف به قرآن، به رغم وجوه اختلاف قرائت در

میان قراء

در مطلب پیش، به اشکال نخست اشکال‌کنندگان پاسخ داده شد و نتیجه گرفته شد که دیدگاه آیه‌الله معرفت و دیگر بزرگان در مورد حفظ قرائت اصلی پیامبر ﷺ و حصر آن در یک قرائت، بر روش تاریخی استوار است و از پشتوانه قرآنی و روایی برخوردار است. در این قسمت، دو اشکال دیگر یعنی راه نیافتن تحریف لفظی و معنوی متکی بر لفظی پاسخ داده می‌شود. برای این کار لازم است ابتدا وجوه مختلف قرائت بیان شود و پس از آن، از دیدگاه استاد معرفت در صورت تحقق این وجوه، آیا می‌توان همچنان از تحریف ناشدگی قرآن دفاع کرد؟

۱-۲-۱. وجوه اختلاف قرائت

دسته‌بندی‌های مختلفی از دانشمندان قرآنی و قرائت در باب وجوه اختلاف قرائت ارائه شده است (ر.ک: همان: ۲/۱۰۶-۱۱۶) که می‌توان تمام آن‌ها را به جهت تفاوت با قرائت اصلی - بدون توجه به تواتر یا عدم تواتر آن‌ها، در چند محور زیر خلاصه کرد:^۱

۱. طبق برخی پژوهش‌ها، با توجه به قرائت مشهور، تنها در قرائت حدود یک‌سوم آیات قرآن اختلاف شده است (ر.ک: بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۷).

۱. تغییر لفظی بدون تغییر ماده و معنا: برای مثال، مشهور قاریان کلمه «ظلمات» را در آیه «...وَتَرَكُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره/۱۷) به صورت «ظلمات» قرائت کرده‌اند، ولی حسن، ابوالسما و اعمش به صورت «ظلمات» (خطیب، ۲۰۰۰: ۵۳/۱).

۲. تغییر ماده بدون تغییر معنا: برای مثال واژه «عَهَن» در آیه «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمُتْفُوشِ» (قارعه/۵) به معنای «پشم» است و در برخی قرائت‌ها، به جای آن کلمه «صوف» آمده است (کالصفوف المنفوش) (ابن جزری، بی‌تا: ۲۷/۱) که این کلمه هم دقیقاً به معنای پشم است.

۳. تغییر معنا بدون تغییر ماده: مانند قرائت کلمه «يُغْفِرُ» (بقره/۵۸) بر اساس قرائت نافع، «تُعْفِرُ» بر اساس قرائت ابن عامر، و «نَعْفِرُ» بر اساس سایر قرائات (مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲: ۵۹/۱).

۴. تغییر معنا و ماده: مانند قرائت «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران/۱۳۳) بر اساس قرائت مشهور و «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» بر اساس روایتی از امام صادق (طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۰۷/۲).

۵. جابه‌جایی یا کم و زیاد شدن حرف یا کلمه: قرائت «فَإِنَّ اللَّهَ الْغَنِيُّ» (حدید/۲۴) بر اساس قرائت نافع و ابن عامر و «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ» بر اساس سایر قرائات (مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲: ۸۹/۷).

۲-۲-۱. تبیین دیدگاه استاد معرفت درباره ارتباط این وجوه با تحریف قرآن

با در نظر گرفتن دیدگاه استاد معرفت درباره شرط پذیرش قرائات و مفهوم اصطلاحی تحریف و قرائات که در ادامه تشریح می‌شود، می‌توان به دیدگاه وی در زمینه ارتباط وجوه اختلاف قرائات با تحریف پی برد.

۲-۲-۱-۱. تواتر، شرط پذیرش قرائات

همان گونه که گفته شد، اجماع دانشمندان مسلمان از جمله استاد معرفت، بر آن است که قرآن تنها به تواتر ثابت می‌شود؛ از این رو تنها قرائاتی که متواتر باشند، قابل استناد هستند نه هر قرائتی. از سویی نقل شد که بر اساس یک تحقیق، تنها در یک سوم آیات قرآن، اختلاف قرائت رخ داده است. بنابراین بسیاری از وجوه قرائات نقل شده در

همین یک‌سوم آیات، قابل استناد نیستند و صرف نقل آن‌ها از سوی قراء، ضروری به تحریف ناشدگی قرآن نمی‌زند و تواتر قرائت رایج را خدشه‌دار نمی‌کند؛ زیرا سند روایی هیچ یک از قرائات مشهور متواتر نیست و حتی می‌توان مدعی شد که اکثر قریب به اتفاق قرائات، حتی از صحت سند نیز برخوردار نیستند (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۱: ۱۹۲-۱۹۷).

این امر نه تنها در مورد سند قرائات مشهور، بلکه در روایات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام نیز صادق است؛ برای مثال، بررسی‌ای که درباره قرائات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر مجمع البیان صورت گرفته، نشان می‌دهد که از مجموع ۱۴۵ روایت نقل شده از معصومان علیهم‌السلام، ۱۴۴ روایت بدون ذکر سلسله سند به ایشان منسوب شده و ۱ روایت دیگر نیز که با سند ذکر شده، مرسل است و قابل قبول نیست (ر.ک: دیاری بیدگلی و نوری، ۱۳۹۳: ۸۱ و ۸۶). شیخ مفید نیز به دلیل اخبار آحاد بودن قرائات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام، آن‌ها را آسیب‌رساننده به قرائت رایج که به تواتر به ما رسیده، ندانسته است (مفید، ۱۴۱۳: ۸۲-۸۴).

۲-۲-۱. توجه به معنای قرائت و تحریف اصطلاحی در نزد استاد معرفت

بیشتر بیان شد که از دیدگاه آیه‌الله معرفت، بحث از تحریف اصطلاحی، تنها در قسم زیاده، نقصان و تبدیل کلمات قرآنی جاری است که در صورت وقوع هر یک از این اقسام، تحریف قرآن محقق خواهد بود (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۴). در تعریف قرائت نیز مفروض گرفته شد که قاریان در پی رسیدن به قرائت صحیح رسیده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده‌اند و یک قرائت بیشتر بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل نشده است. همچنین چنان که در تعریف تحریف گذشت، ملاک صحیح بودن یک قرائت، این است که با متن ثبت شده که در نزد عموم مردم باقی است، از جهت ماده کلمه، صورت کلمه و نظم کلمه موافق باشد.

از جهت لغوی، فصیح‌ترین و از جهت کاربرد، شایع‌ترین در عربیت باشد. دلیل قطعی با آن معارض نباشد (برهان عقلی، سنت متواتر و روایت صحیح‌السندی که در نزد امامان معصوم علیهم‌السلام مقبول باشد).

با توجه به این مطالب می‌توان بیان کرد که از دیدگاه استاد معرفت اگر قرائتی یافت

شود که یکی از شروط بالا را نداشته باشد، نمی‌توان به عنوان قرائت صحیح آن را پذیرفت. در مقابل اگر قرائتی غیر از قرائت موجود در مصحف رایج کنونی یافت شود که سه شرط بالا را داشته باشد، تحریف قرآن به نسبت آن قرائت، در قرآن راه یافته است.

۱-۲-۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به وجوه اختلاف قرائات و مقدمات بالا می‌توان به امور زیر از دیدگاه استاد معرفت اذعان داشت:

۱- اجماع مسلمانان بر این است که تحریف به زیاده رخ نداده است. بنابراین اختلاف در قرائتی که موجب زیاده باشد و تحریف قرآن را موجب شود وجود ندارد. از این رو، وقوع هر نوع زیاده در وجوه اختلاف قرائات (بخشی از وجه ۵ از وجوه اختلاف قرائات) منتفی است.

۲- روایات سبعة احرف در صورت صحت، تنها بر جواز قرائت قرآن به لهجه‌های مختلف دلالت دارد و اختلاف لهجه که سهم زیادی از اختلاف قرائات را دربرمی‌گیرد، جزء تحریف اصطلاحی نیست (ر.ک: همان: ۲۰-۲۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۱۶/۲)؛ چرا که اختلاف لهجه، نه منجر به زیاده و نقصان است و نه موجب تبدیل ماده و معنای کلمات. از این رو، قسم ۱ از وجوه اختلاف قرائات، اختلاف در لهجه به شمار می‌آید نه تحریف، و نیز قسم ۲ و ۵ از آن، با روایات سبعة احرف قابل تأیید نیست و در صورت وقوع، اجتهاد قاریان به شمار می‌آید، نه حکایت قرائت پیامبر ﷺ.

۳- یکی از شروط آیه‌الله معرفت برای قبول و صحت یک قرائت، مطابقت آن با نص قرائت موجود در میان عموم مردم بیان شد. از این رو، وجوه ۲، ۴ و ۵ قرائات، قابل پذیرش به عنوان قرائت قرآن نیستند؛ زیرا با نص مشهور موجود در میان عموم مردم ناسازگارند. علاوه بر این، وجه ۲ در حقیقت تفسیر واژگان و عبارات قرآن بوده که به نظر می‌رسد قاریان متأخر به اشتباه آن را قرائتی مستقل دانسته‌اند.

۴- تحریف به نقصان هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد و قرائت متواتر یا روایت صحیحی که تحریف به نقصان را تأیید کند، وجود ندارد (ر.ک: همو، ۱۳۶۸: ۱۵۶-۱۵۷)؛

همو، ۱۳۷۹: ۲۲)؛ زیرا سند روایی تمامی قرائات مشهور، غیر متواتر هستند. بنابراین هیچ یک به لحاظ سند روایی شرط تواتر را دارا نیستند و نمی توان به عنوان قرآن، از آنها یاد کرد. از این رو، هیچ یک از وجوه پنج گانه قرائت (به غیر از قرائاتی که صرفاً ناظر به اختلاف لهجه هستند)، به دلیل نداشتن شرط تواتر، قابلیت قرآن بودن را دارا نیستند.

۴- از دیدگاه استاد معرفت، پس از روشن شدن عدم تواتر قرائات از طریق بررسی سند روایی، تنها راه دستیابی به قرائت متواتر، رجوع به قرائت متواتر در میان عموم مردم است که این شرط تنها در قرائت عاصم به روایت حفص موجود است.

۵- با توجه به ۵ قسمی که در وجوه اختلاف قرائات بیان شد و حصر تحریف در نزد استاد معرفت به «زیاده، نقصان و تبدیل کلمات» و با توجه به تواتر قرائت عاصم به روایت حفص در میان عموم مردم و عدم تواتر دیگر قرائات، تمام شروط قرائت صحیح در قرائت عاصم به روایت حفص جمع است و هیچ قرائت متواتری معارض با این قرائت وجود ندارد. بنابراین قرائت قرآن در نظر استاد معرفت، منحصر در قرائت رایج کنونی است که در مصاحف منعکس است.

۲. ملاحظه و تکمیلی بر دیدگاه استاد معرفت

۱-۲. طرح یک اشکال

در میان قرائات، موارد نادری وجود دارند که با قرائت رایج کنونی مخالف هستند و از تعداد قابل توجهی از قاریان یا در روایات زیادی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده اند. همچنین شرط فصاحت و مطابقت با مصحف را نیز دارا هستند. بر اساس دیدگاه استاد معرفت، در صورت وجود چنین قرائتی، گرچه بسیار اندک و انگشت شمار باشد، باید اذعان کرد که قرآن نسبت به این موارد، دچار تحریف شده است؛ برای مثال، یکی از مواردی که می توان گفت دارای تمام این ویژگی هاست، اختلاف در قرائت کلمه «مَالِك» در آیه ۴ سوره حمد است. قرائت این کلمه در مصحف کنونی به صورت «مَالِك» است، اما ۵ تن از قراء سبعة و تعداد زیادی از صحابه و تابعان به صورت «مَلِك» قرائت کرده اند (طوسی، بی تا: ۳۳/۱؛ مختار عمر و سالم مکرم، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۱).

حال پرسش این است که در صورت اثبات راهیابی این گونه از تغییر در کلمات قرآن، تحریف رخ داده است؟ و آیا دیدگاه استاد معرفت نسبت به این گونه تغییر، پاسخی دارد؟

۲-۲. پیشنهادی برای تکمیل دیدگاه استاد معرفت

به نظر می‌رسد اگر مطلب زیر که برگرفته از عبارات آیه‌الله خویی و علامه طباطبایی است، بر دیدگاه استاد معرفت اضافه شود، این یک مورد هم از دایره تحریف قرآن خارج می‌شود و دیدگاه وی، مبنی بر عدم تأثیر اختلاف قرائت در تحریف قرآن، بیشتر تثبیت خواهد شد.

آیه‌الله خویی می‌گوید مادامی که ماده کلمات قرآن حفظ شده باشد تحریف صورت نگرفته است (موسوی خویی، بی‌تا: ۱۵۷-۱۵۸) و علامه طباطبایی معتقد است که قرآن دارای خصوصیات لفظی و معنایی ویژه است و در هر دو بعد مذکور، معجزه الهی بوده و خود را با اوصافی چون: عزیز، عظیم، هدی، مجید و حکیم توصیف می‌کند. پس حفظ قرآن، متضمن حفظ تمام این خصوصیات و اوصاف نیز هست. از این رو علامه معتقد است مادامی که این اوصاف اصلی قرآن حفظ شده باشد، یعنی جنبه هدایتگری، حکیم بودن و...، حتی با تغییر اندک الفاظ هم نمی‌توان گفت قرآن تحریف شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۱۰۶-۱۰۷).

بر این اساس و با لحاظ آیات ناظر به مصونیت قرآن از تحریف، قسم ۱، ۲ و ۳ از وجوه اختلاف قرائت که منجر به تغییر لفظی صرف بودند، اصطلاحاً تحریف به شمار نمی‌آیند. همچنین قسم ۴ و ۵ که تغییر در لفظ و معنا، همزمان رخ می‌دهد، در صورتی که بتوان موردی از تغییر را یافت که ماده اصلی کلمه حفظ شده باشد و به هیچ یک از این اوصاف و ویژگی‌های لفظی و معنایی مؤثر در جنبه هدایتگری و اعجاز قرآن آسیب نرسیده باشد، این مورد از دایره تحریف خارج است؛ چرا که آیات حفظ نسبت به این گونه از تغییرات انصراف دارد و تغییر لفظی، تنها در صورت تغییر معنا به گونه‌ای که به جنبه هدایتگری و اعجاز قرآن آسیب بزند، موجب تحریف است. البته این قسم از وجوه ۴ و ۵ باید به صورت متواتر نقل شده باشند تا بتوان معارضه با قرائت و نص متداول در میان توده مردم را دارا باشند و موجب تحریف قرآن شوند.

۳-۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در تکمیل دیدگاه استاد معرفت

در صورتی که قرائتی غیر از قرائت رایج در مصحف کنونی نقل شود که تمام شرایط صحت (فصاحت، مطابقت با نص رایج و تواتر) را دارا باشد، مانند قرائت «ملک»، این قرائت باید بررسی شود. اگر اختلاف معنایی این قرائت با قرائت مصحفی، قابل توجه نباشد و به حد از دست رفتن اوصاف اصلی و جنبه هدایتی قرآن نرسد، از آن جهت که با هدف نزول آیات قرآن ناسازگار نیست، تحریف به شمار نمی‌آید. البته در صورتی که معنا به گونه‌ای باشد که معارض با معنای قرائت اصلی به شمار آید و ماده آن نیز تغییر یافته باشد و از تعداد قابل توجهی از قاریان هم نقل شده باشد، تحریف در آن لفظ شمرده می‌شود. ولی باید توجه داشت که پس از بررسی و تتبع در میان قرائات مشهور، نقل قرائتی با مجموع این سه ویژگی، در میان قرائات نقل شده ثابت نیست. به این لحاظ، در قرائت «ملک» و «مالک» نیز گرچه اختلاف، مستند و غیر قابل انکار است، ولی از چند جهت نمی‌توان آن را تحریف مصطلح نامید؛ چه آنکه اولاً تفاوت معنایی «مالک» با «ملک» به قدری زیاد نیست که با اوصاف کلی و هدف هدایتی قرآن ناسازگار باشد؛ ثانیاً اصل ماده کلمه حفظ شده است؛ ثالثاً نوع کتابت هر دوی آن‌ها در رسم الخط یکسان است.

نتیجه‌گیری

۱- با مراجعه به شواهد تاریخی، آیات و روایات و مطالعات تاریخی قرائات، می‌توان به این نتیجه رسید که به رغم وقوع اختلاف قرائات، قرائت نبوی قرآن همواره حفظ شده و نسل به نسل، شفاهی و کتبی و به صورت متواتر به ما منتقل شده است، نه اینکه در دوره‌ای مفقود شده و بعداً احیا شده باشد. این قرائت همان قرائت رایج کنونی در میان مسلمانان است که منطبق بر قرائت عاصم به روایت حفص است. البته عواملی در حفظ این قرائت در طول نسل‌ها، در میان مسلمانان دخیل بوده است؛ از جمله نظارت اهل بیت علیهم‌السلام، اهتمام زیاد مسلمانان به حفظ قرائت اصلی و کتابت قرآن بر طبق آن، نقطه و اعراب‌گذاری قرآن بر اساس قرائت امیر مؤمنان علیه‌السلام که همان قرائت مشهور بوده است، و اقبال دانشمندان و عموم مردم به قرائت عاصم به روایت حفص. با این

توضیح روشن می‌شود که اشکال اول اشکال‌کنندگان بر دیدگاه استاد معرفت و برخی بزرگان، مبنی بر پشتوانه تاریخی نداشتن دیدگاه برگزیده (دیدگاه تأثیرگذاری اختلاف قرائت بر تحریف) وارد نیست.

۲- قرائت رایج، به عنوان قرائت اصلی پذیرفته می‌شود، ولی در کنار این قرائت، ممکن است در موارد نادری ادعا شود که وجود قرائتی دیگر از یک آیه یا کلمه قرآن، تواتر قرائت اصلی را مخدوش کرده است. با فرض پذیرش این امر نیز این موارد نادر، ضرری به عدم تحریف قرآن نمی‌زند؛ زیرا این قرائت در صورتی می‌تواند دال بر تحریف لفظی قرآن کریم باشد که اولاً از شهرت سندی بالایی برخوردار باشد؛ ثانیاً تفاوت معنایی آن با قرائت اصلی به قدری زیاد باشد که با اوصاف کلی و هدف هدایتی قرآن ناسازگار باشد؛ ثالثاً اصل ماده کلمه و کتابت آن بر طبق مصحف رایج حفظ نشده باشد. ولی تحقق چنین قرائتی ثابت نیست و اصل اولی پابندی به قرائت رایج و اصلی، همچنان برقرار است.

۳- این شواهد به ضمیمه ادله کلامی و قرآنی صیانت قرآن از تحریف، برای عدم تأثیر اختلاف قرائت بر تحریف قرآن کافی به نظر می‌رسد؛ زیرا قبلاً بیان شد که آیات، هر گونه تحریف را از قرآن کریم نفی می‌کند و با اصل قرار دادن قرائت رایج و مورد پذیرش عموم مردم که قرائت عاصم حاکی از آن است، روشن می‌گردد که وعده الهی در مورد عدم تحریف قرآن محقق شده و قرائت اصلی قرآن عیناً و به تواتر به ما منتقل شده است. مراد از حفظ نیز حفظ کلمات قرآن از آن دسته از تحریف‌های لفظی است که منجر به تغییر معنایی نیز بشوند؛ البته تغییر معنایی به گونه‌ای که با اوصاف و اهداف اصلی قرآن ناسازگار باشند و به انحراف از مسیر هدایت قرآنی ختم شوند. بنابراین دیدگاه استاد معرفت که همان «بی تأثیری اختلاف قرائت در تحریف قرآن» است، دیدگاهی مبتنی بر ادله و شواهد تاریخی و دینی است و به گونه‌ای روشمند سعی دارد از تحریف‌ناشدگی قرآن دفاع کند.

۴- با توضیحاتی که بیان شد، دو اشکال نخست مستشکلان در آثار استاد معرفت پاسخ داده می‌شود و اشکال سوم با تکمله‌ای که از دیدگاه آیه‌الله خویی و علامه طباطبایی بر دیدگاه وی افزوده شد، پاسخ داده می‌شود.

کتاب‌شناسی

۱. ابن جزری، محمد بن محمد، *النشر فی القراءات العشر*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۴. احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۵. استادی، کاظم، «ارتباط اختلاف قرائات با تحریف قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۷۴، ۱۳۹۴ ش.
۶. بابایی، علی اکبر، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۸۱ ش.
۷. بابایی، علی اکبر، *غلامعلی عزیزی کیا و مجتبی روحانی راد، روش‌شناسی تفسیر قرآن*، زیر نظر محمود رجیبی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۷۹ ش.
۸. بروجردی، میرزاهمدی، *برهان روشن (البرهان علی عدم تحریف القرآن)*، تهران، بی تا، ۱۳۷۴ ش.
۹. بلاشر، رژی، *در آستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. بلاغی نجفی، محمدجواد، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. جزائری، سید نعمت‌الله، *الانوار النعمانیه*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. همو، *منبع الحیاة و حجة قول المجتهد من الاموات*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۳. حجتی، سید محمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۴. حزر عاملی، محمد بن حسن، *تواتر القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۶ ق.
۱۵. خطیب، عبداللطیف، *معجم القراءات*، دمشق، دار سعدالدين، ۲۰۰۰ م.
۱۶. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، *المحکم فی نقط المصاحف*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا. (الف)
۱۷. همو، *المقنع فی رسم مصاحف الامصار*، قاهره، مکتبه کلیات الازهریه، بی تا. (ب)
۱۸. دیاری بیدگلی، محمدتقی و شهلا نوری، «قراءات منسوب به اهل بیت علیهم السلام در مجمع البیان»، *قرائت پژوهی*، شماره ۲، ۱۳۹۳ ش.
۱۹. ذهبی، محمد بن احمد، *معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
۲۱. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. زنجانی، ابو عبدالله، *تاریخ القرآن*، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. سجستانی، عبدالله بن سلیمان، *کتاب المصاحف*، تحقیق محمد عبده، قاهره، الفاروق الحدیثه للطباعة و النشر، ۱۴۲۳ ق.
۲۴. سیوطی، جلال‌الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
۲۵. همو، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. شرف‌الدین عاملی، سید عبدالحسین، *اجوبه مسائل جارالله*، صیدا، مطبعة العرفان، ۱۳۷۳ ق.
۲۷. همو، *حقائق هامة حول القرآن الکریم*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. همو، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۲. همو، رجال طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۳۳. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، تحقیق رضا مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال (رجال علامه حلی)، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۳۶. همو، نهاية الوصول الی علم الاصول، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۵ ق.
۳۷. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة؛ تاریخ و تعریف، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۵ ق.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۴۰. گلذیهر، ایگناس، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحلیم النجار، قاهره، مکتبه الخانجی و مکتبه المثنی، ۱۳۷۴ ش.
۴۱. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۲. مجدد عباسی، محمد مسعود، قرائات قرآنی از دیدگاه تشیع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۴۳. مختار عمر، احمد و عبدالعال سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیة، قم، اسوه، ۱۴۱۲ ق.
۴۴. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید، ۱۳۸۷ ش.
۴۵. همو، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴۶. همو، تاریخ قرآن، تهران، سمت، ۱۳۶۸ ش.
۴۷. همو، صیانة القرآن من التحریف، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ ش.
۴۸. همو، علوم قرآنی، قم، التمهید، ۱۳۸۱ ش.
۴۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، المسائل السرویة، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. مکی بن ابی طالب، محمد، الابانة عن معانی القراءات، تحقیق فغلی سید عرباوی، لبنان، بی نا، ۱۴۳۲ ق.
۵۱. مؤدب، سیدرضا و علی رضا محمدی فرد، «بررسی انگاره تواتر قرائات»، قرائت پژوهی، شماره ۲، ۱۳۹۳ ش.
۵۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۵۳. همو، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ش.
۵۴. نوری، حسین بن محمد تقی، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، چاپ سنگی، موجود در کتابخانه آیه الله العظمی حائری مدرسه فیضیه، شماره ثبت ۹۱۲۳، بی تا.
۵۵. نولدکه، تنودور، تاریخ القرآن، تعدیل فردریش شفالی، ترجمه جورج تامر، نیویورک، بی نا، ۲۰۰۰ م.
۵۶. هاشمی بصری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.